بازخوانی زعامت آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری قدس‌سره در بستر تحولات تاریخی و سیاسی ایران

حجت‌الاسلام والمسلمین احمد سعدی

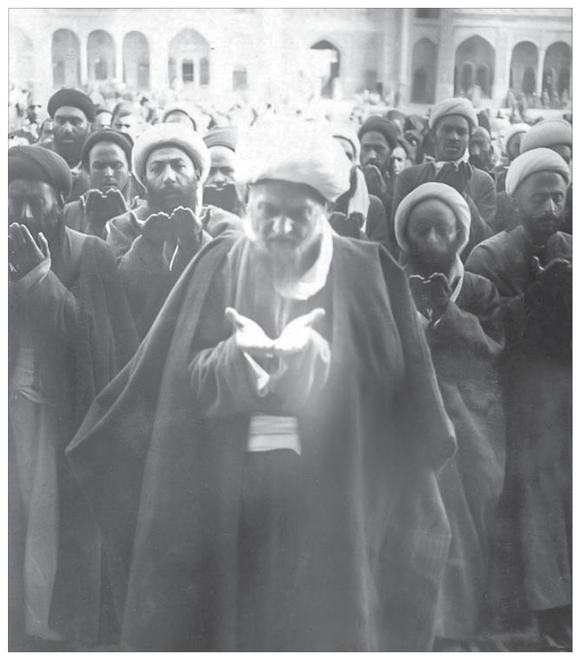

ادامه از صفحه اول

• مسائل داخلی ایران و تأثیرات آن بر حوزه علمیه در دوران شیخ عبدالکریم حائری

بحران‌های داخلی ایران؛ از مشروطه تا به قدرت رسیدن رضاشاه

دوران شیخ عبدالکریم حائری در ایران، علاوه بر بحران‌های جهانی، با مجموعه‌ای از بحران‌های داخلی نیز همراه بود که بر عملکرد حوزه علمیه و علمای دینی تأثیر مستقیم داشت. از جمله مهم‌ترین این بحران‌ها، نهضت مشروطه، توافقنامه انگلیس و روس برای تقسیم ایران و به قدرت رسیدن رضاشاه پهلوی بود. هریک از این حوادث، به‌شکلی در تغییر فضای سیاسی و اجتماعی ایران و همچنین جهت‌گیری‌های علما، به‌ویژه شیخ عبدالکریم حائری، نقش داشت.

• مشروطه و پیامدهای آن

نهضت مشروطه که از سال ۱۲۸۵ شمسی آغاز شد، به دنبال ایجاد حکومت قانون و محدود کردن قدرت استبدادی قاجار بود. علمای بزرگی همچون میرزای نائینی ﷺ که کتاب معروف خود «تنبیه‌الامه و تنزیه‌الملة» را در دفاع از مشروطه نوشت، در این نهضت نقشی اساسی داشتند. با این حال، مشروطه با چالش‌های جدی داخلی مواجه شد:

• اختلاف گروه‌های درونی: یکی از مشکلات مهم نهضت مشروطه، اختلاف نظرها و تفاوت انگیزه‌ها و اهداف گروه‌های مختلف بود؛ درحالی‌که برخی علما به دنبال تحکیم اسلام در برابر استبداد بودند، روشن‌فکران غرب‌زده و مخالفان دخالت دین در سیاست، خواهان پیاده کردن نظام‌های غربی بودند.

• انحراف از مسیر اصلی: با شروع مشروطه و پیاده‌سازی آن، اختلافات میان گروه‌ها آشکارتر شد. امام خمینی ﷺ در تحلیل خود از شکست نهضت مشروطه، عوامل متعددی از جمله نفوذ مستبدان، غفلت علما و دخالت بیگانگان را بیان می‌کند.

• توافقنامه انگلیس و روسیه و تقسیم ایران

یکی از مسائل تأثیرگذار بر حوزه علمیه و جامعه ایران، توافقنامه انگلیس و روسیه بود که به‌موجب آن، ایران به دو منطقه تحت نفوذ این دو قدرت خارجی تقسیم شد؛ شمال کشور به روسیه و جنوب به انگلیس داده شد. این تقسیم ناعادلانه، تأثیرات زیادی بر امور داخلی کشور، به‌ویژه در نهادهای دینی و علمی داشت.

• به قدرت رسیدن رضا شاه و اجرای سیاست‌های استبدادی

با روی کار آمدن رضاشاه پهلوی، ایران وارد مرحله‌ای جدید از استبداد و دیکتاتوری شد. رضاشاه به‌عنوان پرچمدار نقشه‌ای که توسط قدرت‌های خارجی برای منطقه طراحی شده بود، در داخل کشور شروع به سرکوب علما و محدود کردن فعالیت‌های دینی کرد. از جمله سیاست‌های وی، می‌توان به اجرای سربازی اجباری اشاره کرد که باعث مهاجرت علمای اصفهان در سال ۱۳۰۶ شد. این سیاست‌ها تأثیرات عمیقی بر حوزه علمیه قم و مواضع شیخ عبدالکریم حائری ﷺ داشت.

• تبعید علمای نجف به ایران

در همین دوران، تبعید علمای نجف توسط فیصل به ایران رخ داد. این علما پس از تبعید، در قم مستقر شدند که این موضوع نیز، تأثیرات بسیاری بر فضای دینی و علمی قم داشت.

• شهادت شیخ فضل‌الله نوری و پیامدهای آن

یکی از مهم‌ترین وقایع دوران مشروطه، اعدام شیخ فضل‌الله نوری رحمه‌الله بود. شیخ فضل‌الله به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مجتهدین و علمای مشروطه‌خواه، تحت عنوان افساد فی‌الارض محکوم به اعدام شد. این حادثه به‌معنای عمیق‌تری از صرفاً اعدام یک عالم دینی بود. امام خمینی ﷺ شهادت شیخ فضل‌الله را نقشه‌ای برای بی‌اعتماد کردن مردم نسبت به دین و جدایی روحانیت از مردم می‌داند.

این اعدام نه‌تنها به‌معنای پایان زندگی یک عالم بزرگ بود؛ بلکه باعث شد، دیوار بی‌اعتمادی میان مردم و روحانیت ایجاد شود؛ دیواری که به‌آسانی قابل از بین بردن نبود و تأثیرات عمیقی بر نقش روحانیت در سیاست و جامعه داشت. نهضت مشروطه با همه پیچیدگی‌ها و مشکلاتش، سایه‌ای تلخ بر تاریخ اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران انداخت. درنتیجه تحولات داخلی ایران در دوران شیخ عبدالکریم حائری، از نهضت مشروطه تا به قدرت رسیدن رضاشاه و تأثیرات خارجی همچون توافقنامه‌های استعماری، باعث شد تا حوزه علمیه قم و علمای دینی در مسیرهای متفاوت و پیچیده‌ای قرار گیرند. سیاست‌های استبدادی، تقسیم ایران و سرکوب علمای دینی، همه تأثیراتی ماندگار بر حوزه‌های علمیه و جهت‌گیری‌های آنان به‌جا گذاشت.

• هرج و مرج و جستجوی منجی

وقتی جامعه دچار هرج و مرج می‌شود، مردم به دنبال یک منجی می‌گردند تا آنان را از وضعیت دشوار خارج کند. در چنین شرایطی، مردم نیاز به کسی دارند که نظم و امنیت را بازگرداند.

• تزلزل جایگاه روحانیت

روحانیت همواره به‌عنوان رهبر معنوی و اجتماعی جامعه شناخته می‌شد؛ اما با تزلزل جایگاه آن، دیگر اعتبار و اعتماد گذشته را در میان مردم ندارد. این کاهش اعتماد، روحانیت را از رهبری جامعه دور می‌کند و مردم به‌تدریج به دنبال جای‌گزینی برای این نقش خواهند بود.

• روی کار آمدن رهبران بیگانه با فرهنگ جامعه

در صورتی که جایگاه رهبری صالح از دست برود، افرادی به رهبری جامعه خواهند رسید که هیچ سنخیتی با فرهنگ و دین آن جامعه ندارند. این مسأله خطر بزرگی برای هویت فرهنگی و دینی یک جامعه محسوب می‌شود.

• زاویه‌گیری نسبت به دین و ناامیدی مردم

با تشدید اختلافات میان روحانیون و کاهش اعتماد مردم به آنها، مردم نسبت به دین و حاکمیت نیز زاویه می‌گیرند. این زاویه‌گیری می‌تواند به ناامیدی از دین و حتی عدم تمایل به پیروی از روحانیون بینجامد.

• باز شدن درهای کشور به سمت فرهنگ غرب

تحولات فرهنگی در ایران، به‌ویژه در دوران مشروطه، باعث شد که مردم ایران به‌تدریج فرهنگ بومی خود را نادیده بگیرند و به دنبال جای‌گزین‌هایی از غرب باشند. این روند به تغییر بنیادی در تفکر، قلب و روح مردم ایران انجامید که با ساختارهای فرهنگی و حقوقی کشور سازگار نبود.

• رضاشاه؛ بخشی از نقشه غرب

رضاشاه نه یک رهبر خودجوش؛ بلکه بخشی از نقشه‌ای بود که غرب برای جهان اسلام و به‌ویژه ایران طراحی کرده بود. رضاشاه مجری برنامه‌هایی بود که از قبل برای ایران در نظر گرفته شده بود تا این کشور را از لحاظ فرهنگی و اجتماعی به سمت غرب‌زدگی سوق دهد.

• پازل مشابه در منطقه؛ آتاتورک، رضاشاه و امان‌الله‌خان

در همان دوره که رضاشاه در ایران به قدرت رسید، آتاتورک در ترکیه و امان‌الله‌خان در افغانستان نیز به صحنه سیاسی آمدند. هرسه این شخصیت‌ها، تحت تأثیر برنامه‌های غربی برای تغییر فرهنگ و سیاست‌های کشورهای اسلامی قرار داشتند و هرکدام به شیوه‌ای مشابه، مجری تغییرات اساسی در کشور خود بودند.

آتاتورک به‌عنوان پیشرو در این تحولات، توانست حتی حروف عربی را از خط ترکیه حذف کند و الفبای لاتین را جای‌گزین کند. او و دیگر رهبران منطقه‌ای به دنبال تغییرات سریع و بنیادی در ساختارهای فرهنگی و اجتماعی کشورهای خود بودند.

امان‌الله‌خان، پادشاه افغانستان نیز که به دنبال مدرنیزاسیون سریع کشورش بود، با تأثیر از آتاتورک، سیاست‌های مشابهی را در افغانستان پیاده کرد؛ اما این سیاست‌ها منجر به نارضایتی عمومی و قیام‌های مردمی شد. امان‌الله‌خان، همچون آتاتورک و رضاشاه، بخشی از نقشه‌ای بود که غرب برای تغییر بنیادین کشورهای اسلامی طراحی کرده بود.

• دوران رضاشاه؛ سیاست‌های فرهنگی و نقش شیخ عبدالکریم حائری

دوران رضاشاه را می‌توان به دو مرحله اصلی تقسیم کرد. در مرحله نخست، رضاشاه تلاش کرد، با اجرای طرح‌های عمرانی و برخی اقدامات اقتصادی، خود را در جامعه جا بیندازد و مقبولیت عمومی کسب کند؛ اما هدف اصلی او از این اقدامات، آماده‌سازی بستر برای تغییرات فرهنگی بود. به‌عقیده بسیاری، کار اصلی رضاشاه در عرصه فرهنگ اتفاق افتاد؛ جایی که او به‌شدت تلاش کرد، فرهنگ اسلامی را در ایران تضعیف و از بین ببرد.

• تلاش برای تضعیف فرهنگ اسلامی و جایگزینی آن با فرهنگ غربی

رضاشاه در پی از بین بردن آداب و رسومی بود که نشان‌دهنده عفت، حیا و ادب ایرانی- اسلامی بود. شخصیت او به‌عنوان یک حاکم خون‌ریز و سرکوب‌گر برای بسیاری آشکار شد؛ به‌ویژه در جریان سرکوب قیام مسجد گوهرشاد، این ویژگی‌های خشن او نمایان‌تر شد. برای علما، از جمله شیخ عبدالکریم حائری، شخصیت واقعی رضاشاه در این رویداد به‌وضوح روشن شد.

• نقش شیخ عبدالکریم حائری در مقابله با رضاشاه

نقش شیخ عبدالکریم حائری را می‌توان در چند نکته اساسی بررسی کرد. برخی او را مؤسس حوزه علمیه قم می‌دانند؛ اما در واقع، حوزه علمیه قم سابقه طولانی داشته و از قرون اولیه هجری فعالیت داشته است. شیخ عبدالکریم با تأسیس مجدد حوزه علمیه، کار جدیدی نکرد؛ بلکه نقش اصلی او در محوریت دادن به این حوزه بود. او توانست علمای بسیاری را گرد خود جمع کند و حوزه قم را به مرکز علمی بزرگ تبدیل نماید.

• تربیت نیروهای برجسته توسط شیخ عبدالکریم

یکی دیگر از خدمات برجسته شیخ عبدالکریم ﷺ تربیت نیروهای جوان و توانمند برای حوزه علمیه بود. از شاگردان برجسته او می‌توان به امام خمینی، آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله عراقی ﷺ و دیگر بزرگان اشاره کرد. تربیت این نیروها از مهم‌ترین خدمات شیخ عبدالکریم در تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود.

• نقش‌های شیخ عبدالکریم حائری در تاریخ معاصر حوزه علمیه قم و مواجهه با رضاشاه

شیخ عبدالکریم حائری، یکی از شخصیت‌های برجسته در تاریخ معاصر ایران، نقشی کلیدی در حفظ و توسعه حوزه علمیه قم ایفا کرده است. بررسی دقیق فعالیت‌ها و تصمیمات او در دوران رضاشاه، به‌خصوص در مواجهه با سیاست‌های سرکوب‌گرانه و ضددینی این پادشاه، حاکی از مدیریتی بادرایت و شناختی عمیق از شرایط سیاسی و اجتماعی آن دوران است.

۱. نقش شیخ عبدالکریم در تقویت تشکیلات حوزه علمیه قم

شیخ عبدالکریم دارای ذهنیتی تشکیلاتی بود و این ویژگی در مدیریت و ساختاردهی به حوزه علمیه قم به‌خوبی نمایان شد. او نه‌تنها به تدریس و تربیت طلاب پرداخت؛ بلکه به ضرورت ایجاد ساختاری منظم برای مدیریت حوزه و بهبود کیفیت آموزشی نیز توجه داشت.

توجه به مدیریت طلاب و تغییر روش‌های آموزشی و توجه به زیرساخت‌ها

حاج شیخ با بررسی وضعیت حوزه‌های علمیه و نواقصی که در سیستم آموزشی آنها وجود داشت، به فکر اصلاح ساختار آموزشی افتاد. او از طریق برگزاری امتحانات برای طلاب و تغییر روش‌های تدریس، سعی کرد که علمی‌ترین و مؤثرترین شیوه‌ها را در این سیستم به‌کار گیرد.

او همچنین به ساخت و تعمیر مدارس و بهبود فضای آموزشی حوزه‌ها اهمیت داد. این اقدامات نشان می‌داد که شیخ به‌عنوان یک مدیر تشکیلاتی، به ساختار و سازماندهی حوزه علمیه فکر می‌کرد و در راستای تحقق این هدف‌ها تلاش می‌کرد.

۲. نقش‌های اجتماعی و عام‌المنفعه شیخ عبدالکریم

شیخ عبدالکریم حائری نه‌تنها به توسعه علمی و آموزشی حوزه علمیه توجه داشت؛ بلکه در فعالیت‌های اجتماعی نیز نقشی مؤثر ایفا کرد. او باور داشت که حوزه علمیه نباید تنها به تدریس و تحقیق محدود شود؛ بلکه باید در حل مشکلات اجتماعی مردم نیز دخیل باشد.

تأسیس بیمارستان و کتاب‌خانه

از جمله کارهای او تأسیس بیمارستان و دارالکتب در قم بود. این اقدامات نشان می‌دهد که او به اهمیت ارائه خدمات اجتماعی در کنار آموزش علمی باور داشت و تلاش می‌کرد تا حوزه علمیه را به نهادی فعال در جامعه تبدیل کند.

در ماجرای سیل بزرگی که قم را ویران کرد، شیخ عبدالکریم با کمک‌های مؤثر و مدیریت بحران توانست، خدمات زیادی به مردم ارائه دهد. این رفتار، او را به‌عنوان یک رهبر اجتماعی نیز مطرح کرد که همواره در کنار مردم و برای رفع مشکلات آنها تلاش می‌کرد.

۳. نقش سیاسی شیخ عبدالکریم در قضایای جهان اسلام

شیخ عبدالکریم در موضوعات و بحران‌های بزرگ جهان اسلام نیز حضور داشت و موضع‌گیری‌های مهمی انجام داد. یکی از مهم‌ترین این مسائل، مهاجرت یهودیان به فلسطین و اشغال آن سرزمین بود.

اعتراض به مهاجرت یهودیان به فلسطین

شیخ عبدالکریم نسبت به این مسأله واکنش نشان داد و در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی، اعتراض خود را به رضاشاه منعکس کرد. او با درک عمیق از مسائل جهان اسلام، همواره برای دفاع از حقوق مسلمانان و مخالفت با اشغال سرزمین‌های اسلامی فعال بود.

۴. مدیریت بحران‌های سیاسی و اجتماعی

یکی از ویژگی‌های برجسته شیخ عبدالکریم، توانایی او در مدیریت بحران‌ها بود. او در دوران زندگی خود با بحران‌های بسیاری مواجه شد؛ از جمله مسائل مرتبط با مشروطه و ناآرامی‌های سیاسی ایران.

شاگردی نزد میرزای شیرازی و شیخ فضل‌الله نوری ﷺ

تربیت و شاگردی نزد شخصیت‌هایی مانند میرزای شیرازی و شیخ فضل‌الله نوری باعث شده بود که شیخ عبدالکریم با جریان‌های سیاسی و اجتماعی به‌خوبی آشنا باشد. او از نزدیک شاهد قیام تنباکو و مبارزات میرزای شیرازی بود و به عمق مسائل سیاسی آن زمان واقف شد. همچنین، شاگردی نزد شیخ فضل‌الله نوری که خود رهبر مبارزه علیه مشروطه‌خواهان سکولار بود و سرانجام به شهادت رسید، تأثیرات عمیقی بر تفکر شیخ گذاشته بود.

کناره‌گیری از اراک به‌دلیل ناآرامی‌های مشروطه

زمانی که اختلافات و بحران‌های سیاسی در ایران شدت گرفت، شیخ عبدالکریم حوزه اراک را ترک کرد و به نجف رفت. این تصمیم نشان از آن داشت که او نمی‌خواست، درگیر اختلافات سیاسی‌ای شود که به‌نظرش نمی‌توانست، به نتیجه مطلوب برسد.

۵. موضع شیخ عبدالکریم

نسبت به رضاشاه و مدیریت حوزه در برابر خطرات

یکی از مهم‌ترین بخش‌های زندگی شیخ عبدالکریم، نحوه برخورد او با رضاشاه و سیاست‌های سرکوب‌گرانه او بود. در این دوران، رضاشاه تلاش می‌کرد، نهادهای دینی را تضعیف و حوزه‌های علمیه را نابود کند.

حکمت در برخورد با رضاشاه

شیخ عبدالکریم با درایت و حکمت، از رویارویی مستقیم با رضاشاه خودداری کرد. او معتقد بود که مبارزه مستقیم با رضاشاه می‌تواند نه‌تنها به شکست منجر شود؛ بلکه باعث تضعیف حوزه علمیه نیز شود. به‌همین دلیل، تلاش کرد تا به‌جای رویارویی مستقیم، حوزه علمیه را از گزند آسیب‌های احتمالی حفظ کند.

اعتراض به کشف حجاب و تهدید رضاشاه

در سال ۱۳۱۴، زمانی که رضاشاه قانون کشف حجاب را به اجرا گذاشت، شیخ عبدالکریم تلگرامی اعتراضی به رضاشاه فرستاد. رضاشاه به‌شدت از این اعتراض خشمگین شد و تهدید کرد که اگر شیخ عبدالکریم به اعتراضات خود ادامه دهد، حوزه علمیه قم را ویران خواهد کرد. این تهدید جدی بود و با توجه به سابقه کشتار در مسجد گوهرشاد، شیخ به‌خوبی خطر را درک می‌کرد. با این حال، او با تدبیر و دقت تلاش کرد که حوزه را از این تهدیدها حفظ کند.

۶. پیش‌بینی شیخ عبدالکریم درباره بقای حوزه علمیه قم

در دوران فشارهای شدید رضاشاه، برخی از شاگردان شیخ عبدالکریم از او درباره آینده حوزه پرسیدند. آیت‌الله گلپایگانی ﷺ از شیخ نقل کرده است که در یکی از این گفت‌وگوها، از شیخ پرسیده شد که آیا حوزه قم در برابر این فشارها و تهدیدات باقی خواهد ماند یا نه. شیخ عبدالکریم پاسخ داد: «این حوزه صاحب دارد و صاحب آن امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است.» همین اعتقاد عمیق به حمایت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف باعث شد که شیخ با تمام فشارها و تهدیدات، همچنان به تقویت حوزه ادامه دهد.

• نتیجه‌گیری

شیخ عبدالکریم حائری با درک شرایط پیچیده سیاسی و اجتماعی زمان خود، توانست حوزه علمیه قم را از فروپاشی نجات دهد. او با مدیریت بحران‌ها، عدم برخورد مستقیم با رضاشاه و تلاش برای تقویت ساختار حوزه، نه‌تنها از حوزه محافظت کرد؛ بلکه آن را به نهادی مستحکم و تأثیرگذار تبدیل نمود.

ویرایش و تنظیم: حمید کرمی

دانش معاصر و تاریخ انقلاب اسلامی در یکصد سال اخیر حوزه علمیه قم

حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی ابوطالبی

ادامه از صفحه قبل

• نشر مقالات و مجلات تخصصی

علاوه بر همایش‌ها و کرسی‌های علمی، انتشار مقالات علمی در مجلات تخصصی نیز نقش مهمی در توسعه این حوزه داشته است. مجلاتی مانند «دروازه تاریخ» که به مباحث تاریخ معاصر و انقلاب اسلامی می‌پردازند، زمینه را برای انتشار پژوهش‌های ترویجی و علمی پژوهشی فراهم کرده‌اند. این نشریات و مقالات در سال‌های اخیر تأثیر زیادی در ارتقای سطح دانش پژوهشی و علمی در زمینه تاریخ معاصر در حوزه‌های علمیه داشته‌اند.

به‌طور کلی، حوزه‌های علمیه در سال‌های اخیر با توجه به افزایش تقاضای طلاب و نیاز به بررسی تاریخی تحولات ایران معاصر، در دو حوزه آموزشی و پژوهشی، قدم‌های مهمی برداشته‌اند که این روند همچنان در حال گسترش است.

• اهمیت تاریخ معاصر در حوزه‌های علمیه؛ نقش رهبری و علما در ترویج و توجه به تاریخ‌نگاری

در سال‌های اخیر، تاریخ معاصر و نقش علما در تحولات ایران، به‌عنوان یکی از موضوعات اصلی حوزه‌های علمیه مطرح شده است. تأکید امام خمینی ﷺ و مقام معظم رهبری بر اهمیت این حوزه، باعث گسترش فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی در این زمینه شده است. از همان دوران ابتدایی انقلاب، امام خمینی ﷺ به مطالعه تاریخ معاصر، به‌ویژه نهضت‌ها و مبارزات علما در دوره‌های مختلف از صفویه تا پهلوی، توجه داشتند. خود ایشان در اوایل دهه ۴۰ در زمان دستگیری، مشغول مطالعه تاریخ مشروطه بودند و از تجربیات تاریخی علما مانند شیخ فضل‌الله نوری، مدرس و حاج‌آقا نورالله اصفهانی رحمه‌الله بهره می‌بردند.

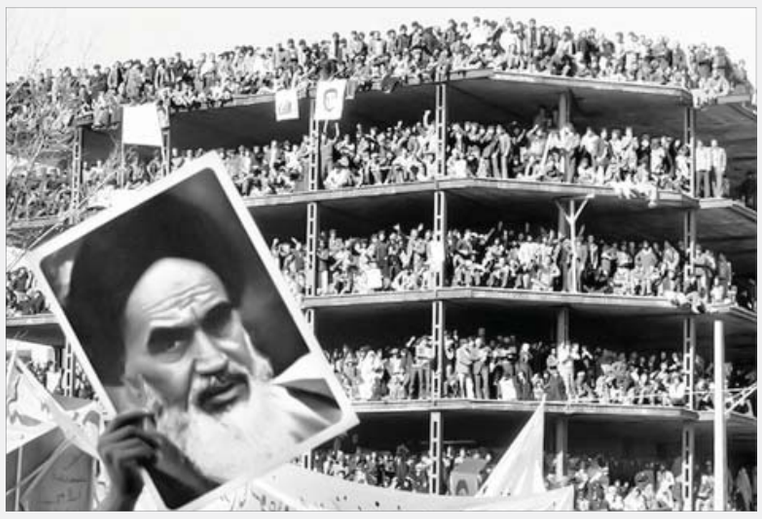

• نقش رهبری در ترویج مطالعه تاریخ معاصر

مقام معظم رهبری نیز بارها بر اهمیت مطالعه تاریخ معاصر ایران برای جوانان و طلاب تأکید کرده‌اند. ایشان معتقدند که نکات تحلیلی و عبرت‌آموز در تاریخ معاصر برای تحلیل مسائل سیاسی و اجتماعی امروز بسیار مؤثر است و مطالعه این حوزه می‌تواند، بصیرت سیاسی و اجتماعی را افزایش دهد. تأکید رهبری بر اهمیت تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی و جلوگیری از تحریف آن، نشان‌دهنده ضرورت تداوم پژوهش‌ها و فعالیت‌های علمی در این حوزه است.

• توجه مراجع و علما به تاریخ معاصر

بزرگان حوزه مانند مرحوم آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی ﷺ نیز، اشراف و توجه خاصی به مباحث تاریخ معاصر داشتند. ایشان به‌طور دقیق تاریخ را تحلیل می‌کردند و بارها علما و پژوهشگران را تشویق به مطالعه و پژوهش در این زمینه کرده‌اند. برگزاری همایش‌های متعدد در حوزه تاریخ معاصر و انقلاب اسلامی، از جمله همایش «یک قرن حافظه تاریخی روحانیت» در بزرگداشت آیت‌الله‌العظمی صافی، نشان‌دهنده اهمیت این موضوع در حوزه‌های علمیه است.

• پژوهش‌های تخصصی در تاریخ معاصر و انقلاب اسلامی

پس از انقلاب اسلامی، حوزه‌های علمیه قم فعالیت‌های گسترده‌ای در زمینه تاریخ معاصر و انقلاب اسلامی انجام داده‌اند. این فعالیت‌ها شامل برگزاری همایش‌های علمی، نشست‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره و انتشار مجلات علمی بوده است. تاریخ دفاع مقدس نیز به‌عنوان یکی از حوزه‌های خاص مورد توجه قرار گرفته و محققان برجسته‌ای در این زمینه به فعالیت پرداخته‌اند.

• رشد و توسعه مطالعات تاریخ معاصر در حوزه‌های علمیه

امروز، تاریخ معاصر به‌عنوان یکی از دروس عمومی یا جانبی در بسیاری از مراکز تخصصی حوزه‌های علمیه تدریس می‌شود. این موضوع به تقویت بصیرت سیاسی و اجتماعی طلاب کمک کرده و آنان را در تحلیل مسائل روز جامعه یاری می‌دهد. در کنار این، پژوهش‌های دقیق و تخصصی در زمینه تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی و دفاع مقدس نیز در حال افزایش است. این فعالیت‌ها نقش مهمی در جلوگیری از تحریف تاریخ انقلاب دارند و به نمایش واقعی تحولات انقلاب اسلامی و نقش علما در آن کمک می‌کنند.

در مجموع، این تلاش‌ها و توجهات باعث شده که مطالعات تاریخی در حوزه‌های علمیه جایگاه ویژه‌ای پیدا کند و همچنان در حال توسعه باشد. امیدواریم که این روند ادامه یابد و با تربیت محققان برجسته، زمینه‌ساز ارائه تحلیل‌های دقیق و مستند از تحولات تاریخی و سیاسی کشور باشیم.

ویرایش و تنظیم: حمید کرمی